



بزرگداشت فاطمیه؛ مانع استحاله شیعه/مواجهه حضرت زهرا با جریان نفاق

حجت الاسلام کاشانی گفت: اگر مقابله حضرت زهرا با جریان نفاق نبود، تقریباً هیچ نشانه جدی برای مخالفت امیرالمومنین با آن جریان نفاق در اسناد تاریخی وجود نداشت.

حجت الاسلام کاشانی گفت: اگر مقابله حضرت زهرا با جریان نفاق نبود، تقریباً هیچ نشانه جدی برای مخالفت امیرالمومنین با آن جریان نفاق در اسناد تاریخی وجود نداشت.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: اگرچه با وفات پیامبر اسلام(ص) و انحراف خلافت از مسیر اصلی خود ضربات سنگینی بر پیکره اسلام وارد آمد اما علی رغم تحریف ها و پنهان کردن واقعیت ها، شهادت حضرت صدیقه طاهر(س) به عنوان اول شهید ولایت باعث شد همواره این سوال در اذهان تاریخ و وجدان های بیدار باقی بماند که به راستی چرا تنها دختر نبی مکرم اسلام از خلفای بعد از پیامبر ناراضی بود و چرا با این نارضایتی از دنیا رفت؟ بازخوانی اتفاقات صدر اسلام از چه اهمیتی برخوردار است و بزرگداشت فاطمیه از چه جهتی است؟ در گزارش پیش رو به شخصیت صدیقه طاهره و بخشی از این سوالات خواهیم پرداخت.

اگر مقابله حضرت زهرا با جریان نفاق نبود، تقریباً هیچ نشانه جدی برای مخالفت امیرالمومنین با آن جریان نفاق در اسناد تاریخی وجود نداشت. یعنی فاطمیه و قیام حضرت زهرا مانا ترین سندی است که نشان می‌دهد در اسلام دو تفکر وجود داشت، نه یک تفکر

حجت الاسلام حامد کاشانی در پاسخ به این سوال که ضرورت بزرگداشت فاطمیه چیست؟ گفت: اگر مقابله حضرت زهرا با جریان نفاق نبود، تقریباً هیچ نشانه جدی برای مخالفت امیرالمومنین با آن جریان نفاق در اسناد تاریخی وجود نداشت. یعنی فاطمیه و قیام حضرت زهرا مانا ترین سندی است که نشان می‌دهد در اسلام دو تفکر وجود داشت، نه یک تفکر. چون همانطور که مستشرقین گفته‌اند در سال های ۱۱ و ۱۵ و ۲۰ و ۲۲ هجری مردم همه یکجور بودند و هیچ تفاوت ظاهری با هم نداشتند. در مسجد همه به یک شکل نماز می‌خواندند و خلیفه امام جماعت است. هیچ صدای مخالف رسمی و جدی وجود ندارد. گاهی اجازه می‌دهند مخالفت های کوچکی در اعتراض به برخی والی‌ها؛ مخالفت های مختلف صورت گیرد اما اینکه رسماً ایدئولوژی آنها نقد شود، کسی چنین جرئتی نداشته و با او برخورد می‌شده است. مثلاً سعد ابن عبادہ بیعت نکرد و وقتی به شام رفت خالد بن ولید او را کشت و گفتند جنیان او را کشتند و یا به تیر غیب گرفتار شد. یا مثلاً ام سلمه یکسال از حقوق بیت المال منع شد. یعنی فضای اینکه کسی مخالفت کند وجود نداشت و کسی این کار را نمی‌کرد. جمعیت طرفداران اعتقادی امیرالمومنین هم به شدت کم بود. اینها نیز به دلایلی مثل تقیه و شرایط آن روز مخالفت خود را ابراز نداشتند.

وی ادامه داد: هر چه می گذشت تفاوتی بین مردم دیده نمی‌شد تا ماجرای قتل عثمان. در قتل عثمان فضا دو قطبی شد و یک عده طرفدار امیرالمومنین شدند و حضرت را نه بعنوان امام معصوم بلکه بعنوان فردی که بهترین گزینه برای خلافت است انتخاب کردند. عده‌ای هم جریان اموی‌ها شدند و عده کمی هم به جریان زبیری‌ها پیوستند. عده‌ای از طرفداران امیرالمومنین در آن زمان، حضرت را از نظر سیاسی قبول داشتند و اولی و دومی را از آن حضرت بالاتر می دانستند و وقتی امیرالمومنین قاضی القضاة کوفه را عزل می‌کند به ایشان اعتراض می‌کنند و می‌گویند او را عمر منصوب کرده و تو حق نداری او را عزل کنی.

این کارشناس دینی گفت: در این میان برای اینکه مبانی فکری آن عده قلیل که طرفدار اعتقادی امیرالمومنین بودند با دیگران مشخص شود، امیرالمومنین گاهی اشاره به آن روز اختلاف می‌کردند. مثلاً در نامه‌ای که به عثمان ابن حنیف می‌نویسند در جایی که کاملاً بی ارتباط با موضوع است به این مطلب اشاره می‌کنند. وقتی می‌خواهند به عثمان ابن حنیف بگویند که چرا در مهمانی ثروتمندان شرکت نموده‌ای؟ می‌فرماید امام تو منم، من در این دنیا هیچ ندارم و تنها دو قرص نان دارم و... یک فدکی داشتیم که یک عده خساست به خرج دادند و یک عده سخاوت کردند که بهترین حاکم خداوند است. یعنی خدا یک روز حکمیت خواهد کرد. چرا حضرت مثال فدک را می‌زند؟ چون فدک رمز آن اختلاف است.

نمونه‌های فراوان آن این است که بنی امیه چندین بار فدک را پس می‌دهند که از افکار عمومی نجات پیدا کنند. گرفتن فدک رمز حقانیت است لذا پس از مدتی حکومت می‌دید که ضرر کرده است و گویا اصل آن اختلاف را

وی افزود: این مسئله در دوران ائمه بعدی هم مطرح است. نمونه‌‌های فراوان آن این است که بنی امیه چندین بار فدک را پس می‌‌دهند که از افکار عمومی نجات پیدا کنند. گرفتن فدک رمز حقانیت است لذا پس از مدتی حکومت می‌‌دید که ضرر کرده است و گویا اصل آن اختلاف را پذیرفته‌‌اند لذا دوباره آن را پس می‌‌گرفتند. امام رضا(ع) در نامه محض الاسلام به مامون که توضیح می‌‌دهند اسلام ناب چیست، یکی از آن رؤس کلی اسلام را برائت از غاصبین ارث خود می‌‌خوانند. کما اینکه امیرالمومنین در نهج البلاغه می‌‌فرماید «لَا أَرَى تَرَائِي تَهَابًا»؛ این برائت از غاصبین ارث، اسم رمز است و در زیارات و روایات مطرح می‌‌شود.

وی تصریح کرد: در زیارت جامعه هم به والغاصبین لارثکم اشاره شده است. لذا اهل بیت نمی‌‌گذارند از این مسئله تنش‌‌زدایی شود. چون این مسئله رمز اختلاف است. ما که امروز به جهاتی داریم با سایر مسلمین تعامل می‌‌کنیم به این معنی نیست که اصل آن اختلاف را فراموش کرده باشیم.

حجت الاسلام کاشانی اظهار داشت: لذا اولین نقطه در تمام مناظره‌‌ها بحث حضرت زهرا(س) بوده است. قبر پنهان و دلیل شهادت و دفن شبانه آن حضرت سوالاتی است که طرف مقابل ما نمی‌‌تواند به آن پاسخ دهد. این امر هم از نظر اعتقادی مولفه اصلی هویت تشیع بوده است و هم از لحاظ مناسکی. یعنی شیعیان نشست‌‌های دسته جمعی و عزاداری داشته باشند. الان یک مقابله جدی که با ما می‌‌شود این است که این امر رسماً به شعائر تبدیل شده و به صورت دسته جمعی است و حتی در بیت رهبری در بالاترین سطح دینی و سیاسی کشور، رسماً مجلس برگزار می‌شود، ولو اینکه سعی می‌کنند ادب را حفظ کنند، اشاره به اختلاف و مظلومیت گذشته می‌‌کنند. این مسئله اگر از بین برود شیعه دچار استحاله خواهد شد. چون حقی غصب شده که هنوز برگردانده نشده است. از این جهت فاطمیه جز ناموس عقائد ما محسوب می‌شود.

اولین نقطه در تمام مناظره‌‌ها بحث حضرت زهرا(س) بوده است. قبر پنهان و دلیل شهادت و دفن شبانه آن حضرت سوالاتی است که طرف مقابل ما نمی‌‌تواند به آن پاسخ دهد. این امر هم از نظر اعتقادی مولفه اصلی هویت تشیع بوده است و هم از لحاظ مناسکی. یعنی شیعیان نشست‌‌های دسته جمعی و عزاداری داشته باشند

وی گفت: آیا صدیقه طاهره(س) سیده نسا اهل الجنه از قول بخاری و مسلم هست یا نیست؟ زنان بهشتی مثل مریم و آسیه وجود دارند که مثلاً عصمت مریم را قرآن امضا کرده است و می‌‌فرماید «يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ»؛ حضرت زهرا سیده نسا است پس افضل از حضرت مریم است پس معصوم است. آیه تطهیر در مورد حضرت زهرا(س) از مسلمات است. اگر به این قائل باشند می‌‌گوییم ایشان با خلیفه قهر کرده‌‌اند و در این قهر از دنیا رفته است.

وی ادامه داد: طرف مقابل برای توجیه این موضوع بی‌‌ادبی‌‌هایی به حضرت صدیقه طاهره کرده است مثلاً بن عثمان در شرح خود بر صحیح مسلم جلد ۶ صفحه ۷۴ می‌‌گوید آدم‌‌ها در لحظه عصیانیت عقل ندارند معاذالله این موضوع را به صدیقه طاهره نسبت می‌‌دهد و رسماً وارد وادی ناصبی‌‌گری می‌‌شود. در حالی که این آقایان برای نسبت ترس و یا خساست به یکی از صحابه درجه دو می‌‌گویند باید به فرد شلاق زده شود، آن وقت این طور به حضرت زهرا(س) بی ادبی می‌‌کند. توهین به حضرت زهرا قطعاً توهین به پیامبر(ص) است.

این کارشناس دینی گفت: لذا در جمع بندی بحث باید بگوییم که این از مسلمات است که صدیقه طاهره(س) با خلیفه قهر کرد و بیعت نکرد و از دنیا رفت. خلیفه گفته بود شما از میراث پیامبر ارث نمی‌‌برید و به یک روایت از قول پیامبر اشاره می‌‌کند که گفت من خودم از پیامبر شنیده‌‌ام. حضرت زهرا این را قبول نکرد و این چند معنا دارد. یک معنا این است که معاذالله حضرت زهرا(س) دوست نداشت روایت پیامبر را قبول کند و ایشان قبلاً از این موضوع با خبر نبوده‌‌اند. در اینجا دو اشکال پیش می‌‌آید، یکی اینکه حضرت زهرا(س) به چه دلیلی روایت را نپذیرفت؟ چطور سیده نسا اهل بهشت روایت صحیح را نپذیرفت؟ اگر بگوییم حضرت زهرا(س) روایت صحیح را نپذیرفته است پس ایشان چگونه سیده نسا اهل بهشت هستند؟ از طرفی چرا پیامبر اهمال کرده بود؟ اگر این حرف نرسیدن ارث به حضرت زهرا(س) درست بود چرا پیامبر این را به صدیقه طاهره(س) نگفته بود؟ پیامبر که به مرگ ناگهانی از دنیا رفته است، چند روز در بستر بیماری بود و سخن می‌گفت، آیا این اهمال و مسامحه بی توجیه را می‌‌توان به پیامبر نسبت داد؟ پس در این فرض که اگر حرف خلیفه درست بوده باشد، یک اشکال بزرگ به نبوت پیامبر بوجود می‌‌آید که چرا

وی ادامه داد: اگر بگوییم پیامبر این موضوع نرسیدن ارث را قبلاً به حضرت زهرا(س) و به خلیفه گفته بود، باید بگوییم حضرت زهرا(س) عالماً و عامداً به دنبال اموال مردم بود! آیا این را کسی می‌داند؟ تواند به یک صحابه عادی نسبت دهد؟ در حالی که حضرت زهرا(س) سیده نسا اهل الجنة است.

ولو شهادت حضرت زهرا از منابع اهل سنت استفاده نشود، همین مسئله نارضایتی صدیقه طاهره(س) منهدم کننده مبانی آنان است

وی افزود: فرض سوم این است که پیامبر این حدیث را نگفته بود و حضرت زهرا(س) وثاقت خلیفه را قبول نکرد. برای همین قهر کرده است. لذا روایت را دروغ حساب کردند که خود صدیقه طاهره با آیات قرآن هم دروغ بودن آن را ثابت کردند که «وَوَرَّثَ سُلَيْمَانَ دَاوُدَ»؛ تا سال ۷۰۰ هجری بعد اهل بیت از این موضوع کوتاه نیامدند و در مواقع مختلف به آن اشاره داشتند. یعنی وثاقت طرف مقابل را قبول نکردند. در منابع اهل سنت وجود دارد که امیرالمومنین در زمان خلیفه دوم باز در مورد فدک بحث می‌کنند. «أَرَى تَرَأَى تَهْبَاءً»؛ میراث ما را غارت کردند. ولو شهادت حضرت زهرا از منابع اهل سنت استفاده نشود، همین مسئله نارضایتی صدیقه طاهره(س) منهدم کننده مبانی آنان است. بالاخره باید یکی از این سه فرض را بپذیرند.

وی در پایان اظهار داشت: مرحوم سید محسن حکیم در مکه با علمای وهابی بحث می‌کنند. ایشان خیلی خوب بحث می‌کنند و در نهایت آنان سوال می‌کنند که نظر شما درباره خلیفه دوم چیست؟ ایشان اگر نظر خود را می‌گویند همه از او اعلام انزجار می‌کنند و هرچه در آنجا از تشیع دفاع کرده بود از بین می‌رود. ایشان می‌گویند نظر ما درباره خلیفه دوم نظر مادر زهرا(س) است. نقل می‌کنند که مجلس ساکت می‌شود. چون همه می‌دانند که نظر حضرت زهرا(س) چیست و کسی نمی‌تواند آن حضرت را متهم کند. این مسئله نارضایتی حضرت زهرا(س) که در منابع آنها به خاطر اغراضی که بحث مفصلی دارد، نقل شده، نمی‌تواند پاسخی به آن بدهند. لذا در منابع جدید به فکر چاره افتادند که مثلاً بن باز می‌گوید بعضی از جملاتی که در صحیح بخاری آمده درست نیست! یعنی حاضر شده به صحیح بخاری اتهام بزنند! برای اینکه می‌تواند فهمد نمی‌تواند این مسئله را حل کنند. هرچه مسئله فاطمیه را به صورت شعائر تقویت کنیم، این خبر به بقیه می‌رسد. هر چه بتوانیم فاطمیه را بدون تنش ایجاد کردن با اهل سنت برگزار کنیم و این خبر منتشر شود، حقانیت حضرت زهرا(س) منتشر می‌شود و این سوال پیش می‌آید که چه شد که اینها با حضرت زهرا(س) این کار را کردند. اگر دنبال هدایت جوانان غیر شیعه هستیم باید عصبیت زهرا(س) را تحریک نکنیم.

در این بین اما شخصیت منحصر بفرد صدیقه طاهره بر کسی پوشیده نیست در این باره آیت الله میرباقری در مورد زیارتنامه حضرت صدیقه طاهره(س) می‌گوید: در زیارت نامه مختصر ولی پرمغز حضرت زهرا(س) می‌خوانیم: «يَا مُمْتَحَنَةَ امْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً وَ زَعَمْنَا أَنَّ لَكَ أَوْلِيَاءَ وَ مُصَدِّقُونَ وَ صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا أَتَانَا بِهِ أَبُوكَ ص وَ أَتَانَا بِهِ وَصِيُّهُ ع فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِنَّ كُنَّا صَادِقِينَ إِلَّا الْحَقِّينَا يَتَصَدِّقُنَا لَهُمَا يَا بَشَرِي لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا يَا نَا قَدْ طَهَّرْنَا يَوْلَايَتِكَ»؛ با اینکه، در زیارت حضرت زهرا(س) حجم عبارات بسیار محدود است لکن مشتمل بر معارف بسیار بلندی است، که سه فراز اساسی دارد.

فراز اول بیان کننده این است که حضرت زهرا(س) قبل از اینکه لباس خلقت بشری بپوشند مورد امتحان قرار گرفتند و در این امتحان، خداوند ایشان را صابره یافته است

وی ادامه می‌دهد: فراز اول بیان کننده این است که حضرت زهرا(س) قبل از اینکه لباس خلقت بشری بپوشند مورد امتحان قرار گرفتند و در این امتحان، خداوند ایشان را صابره یافته است. امتحان گیرنده خداوند متعال است که قبل از خلقت در این عوالم، حضرت زهرا(س) را در این امتحان پایدار یافته است. فراز دوم زیارت، نقش مؤمنین را بیان می‌کند، که ولایت و محبت اهل بیت(ع) را در دل داشته و بر تمام دینی که پیامبر اکرم(ص) و وصی ایشان حضرت امیرالمومنین(ع) آورده استوارند و تبعیض در دین ندارند. فراز سوم زیارت نیز درخواستی است که بعد از این ولایت و تصدیق و پایداری و صبر، مؤمنین از حضرت زهرا(ع) دارند، و آن هم درخواست الحاق به طهارت نفس است، که به دست صدیقه طاهره(س) محقق می‌شود، که حقیقت طهارت همان توحید و پاک شدن از شرک آشکار و خفی است.

این کارشناس دینی معتقد است: امتحان خداوند متعال متناسب با ظروف انسانها، متغیر است، گاهی این امتحان

عمومی است، مانند عهد بندگی که در آیه «لَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» به آن اشاره شده، و انسان به این دنیا آمده است تا به این عهد عمل کند، لکن انسان بسیاری از چیزها از جمله این عهد را فراموش کرده، لکن آنانی که اهل راه هستند آرام آرام به وادی عهد می‌رسند و عهدهایشان به یادشان می‌آید.

عهدی نیز مخصوص خاصان درگاه خداست، که عهد اقامه بندگی در عالم است. وقتی این تکلیف عرضه می‌گردد؛ اینان عهد کرده‌اند که واسطه فیض شده و بار هدایت و شفاعت را برداشته و مجرای هدایت شوند

وی ادامه می‌دهد: عهدی نیز مخصوص خاصان درگاه خداست، که عهد اقامه بندگی در عالم است. وقتی این تکلیف عرضه می‌گردد؛ اینان عهد کرده‌اند که واسطه فیض شده و بار هدایت و شفاعت را برداشته و مجرای هدایت شوند و بار هدایت دیگران را تحمل کرده و بلای هدایت دیگران را به دوش بکشند؛ لذا آنها واسطه رحمت خداوند شده و وجودشان مجرای نور و هدایت است، آنان کلمه نور و معدن نور و مَثَل نور الهی هستند، و پایداری‌شان در توحید، مبدأ هدایت دیگران بوده و دیگران با بلای آنها نجات می‌یابند، و این عهدشان پیش از عهد بندگی خودشان است، و بلا را به دوش می‌کشند تا دیگران راه خداوند را پیدا کنند، مانند حضرت یوسف که با صبر خود موجب نجات مردم مصر از شرک شد.

آیت الله میرباقری می‌گوید: امتحان وجود مقدس حضرت زهرا(س)، که در این زیارت به آن اشاره شده، نیز عهد هدایت مردم است، که با حرف و حدیث واقع نمی‌گردد؛ بلکه باید بار سنگین را به دوش بکشند، لذا خداوند ایشان را در لباس بشر آفریده است تا با خاکیان همنشین شده و در عبور از عالم دنیا معبری برای بندگان خدا بزنند و آنان را از ظلمت و ضلال به سمت توحید هدایت کنند، لذا بلای ایشان معبر ما و همه کائنات است.